

مشهد قدیم

خراسان رضوی

گزارشی تاریخی از زندگی وزمانه اسماعیل خان دامغانی، سردار شجاع مدافع خراسان

نقش دلاور دامغانی در دفاع از مشهد ۲۰۰ سال قبل

جواد نوائیان رودسری - ایران در سرآغاز

قرن سیزدهم هجری قمری، شرایط ناپایدار و پربهرانی را از سر گذراند. با قتل آقامحمدخان قاجار در ۲۱ ذی‌الحجه سال ۱۲۱۱ / ۲۸ خرداد ۱۱۷۶ و روی کار آمدن فتحعلی‌شاه که از نظر شجاعت و جنگاوری، اصلا در حد و اندازه آقامحمدخان نبود، اوضاع پریشان کشور، پریشان‌تر شد و مدتی بعد، با هجوم روسیه‌تزاری به قفقاز و آغاز شورش‌های گسترده در نواحی شمال شرقی ایران، یعنی مناطق گسترده‌ای از خراسان، و وضعیت به وخامت گرایید. ظهور اسماعیل خان دامغانی، به عنوان سرداری رشید و کارآزموده که هم در وطن دوستی و هم در دینداری، شهرتی فراگیر یافت، در این زمان رقم خورد. او اصال‌التا از اهالی سنگسر در نزدیکی سمنان بود، اما به دلیل زندگی در دامغان، به این نام معروف شد. اسماعیل خان و چهار برادر دیگرش، به پنج سردار دامغانی معروف بودند؛ سردارانی که شجاعت و نترسی آن‌ها، و در زبان مردم ایران بدو، اسماعیل‌خان در سال ۱۲۰۵ خورشیدی در گذشت و طبق گزارش اعتمادالسلطنه در «مطلع الشمس»، مطابق وصیت اسماعیل خان، پیکر او را در حرم مطهر رضوی و در رواق مبارک «دارالسعادة» دفن کردند.

جنگ با متجاوزان در قفقاز

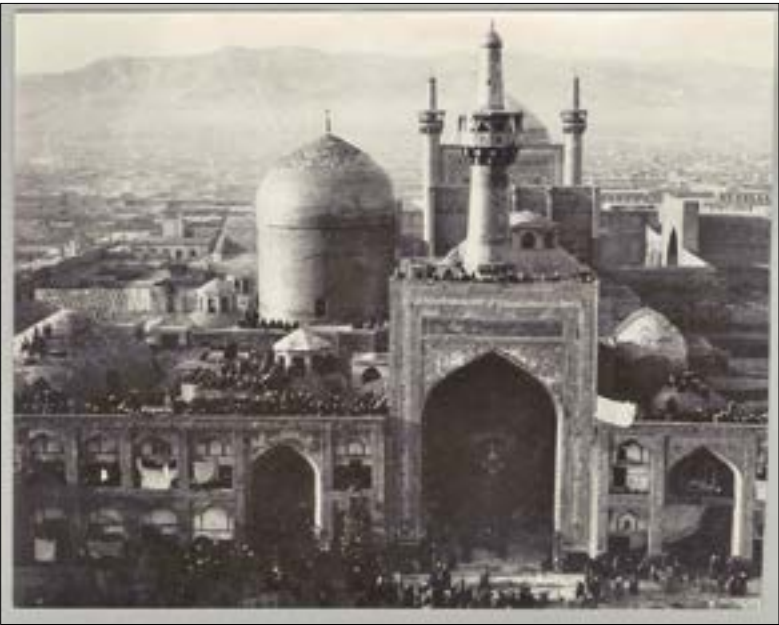
اسماعیل خان با آغاز حملات سرپازان تزار به سرزمین‌های ایرانی قفقاز، با نیروهای تحت امرش به آن مناطق شتافت؛ و او در آن بردها، در کنار برادرانش، پیروزی‌های درخشانی آفرید و از سال ۱۲۱۶ ق / ۱۱۸۰ ش، اسمش بر سر زبان‌ها افتاد. وی در سال ۱۱۸۲ ش، در حمله‌ای رعدآسا به اشغالگران، سیسیانوف، سردار مشهور تزار را شکست داد و در پی آن، نه تنها برخی از مناطق اشغالی را آزاد کرد، بلکه تعداد زیادی از مسلمانان به اسارت گرفته شده توسط روس‌ها را از بندر هاندی به داخل خاک ایران بازگرداند. پیروزی‌های اسماعیل خان در «نیپک» و «آپاران»، امیدها را برای پیروزی ایرانیان در قفقاز تقویت کرد، اما صد افسوس که با کارشکنی فعلی‌شاه و درباریان‌ش، پیروزی‌های سرپازان جان بر کف وطن‌ندوم نیافت و سرانجام، شکست سخت در جنگ اصلا ندوز، باعث جدایی بخش‌های مهمی از خاک ایران شد.

حرکت به سوی خراسان

اسماعیل خان بعد از آن اتفاق تلخ، مدتی به زادگاهش برگشت، اما طولی نکشید که اخبار مربوط به شورش‌های خراسان و ناامنی

در باره یکی از قدیمی‌ترین بازارهای مشهد الرضا(ع) که امروز نشانی از آن بر جانیست

بازار «زنجیر» و اسرار فراموش شده آن



پیش گیرند و این بار به غارت گسترده شهر دست بزنند، اما نیروهای اسماعیل خان که سابقه سال‌ها همراهی با او را داشتند، خیلی‌زود به هرج و مرج به وجود آمده از آن شبیخون، غلبه کردند و آرایش نظامی خود را باز یافتند. اسماعیل خان با تهور و شجاعتی که داشت، بی‌باکانه در میان صفوف یاران خود می‌تاخت و با جملاتی حماسی، آن‌ها را برای تیرد تهییج می‌کرد؛ طولی نکشید که پایداری و دلاوری نیروهای اسماعیل خان جواب داد؛ مهاجمان، حوالی صبح، دست به عقب‌نشینی گسترده زدند. با دستور اسماعیل خان، سرپازان شجاع او، به تعقیب مهاجمان پرداختند و جمع زیادی از آن‌ها را از دم تیغ گذراندند و تعدادی را هم به اسارت درآوردند. به این ترتیب، شورش بزرگ خراسان که سبب ساز ناامنی گسترده در این منطقه و به ویژه مسیرهای زیارتی به مشهد الرضا(ع) شده بود، سرکوب شد.

مشهد و مناطق اطراف آن کوشید. با این حال، هنوز هم ناآرامی‌هایی در برخی نقاط وجود داشت که می‌شد در پای تحریر انگلیسی‌ها را در برخی از آن‌ها دید. اسماعیل خان بعد از اطلاع از شورش دوباره به برخی خوانین مستقر در نزدیکی قوچان، با پنج هزار نیروی زبده، خود را به نزدیکی شهر رساند. آن‌ها به دلیل سرعشان، بسیار خسته بودند و به همین دلیل، شب را به استراحت پرداختند، اما شورشیان که از قدرت و شجاعت اسماعیل خان بیم داشتند، تصمیم گرفتند در حمله‌ای شبانه، کاروی و سرپازانش را بسانند. گروهی از خان‌های وابسته و سرکش، با نیرویی زیاد به سوی اردوگاه اسماعیل خان حرکت کردند؛ نیرویی بیش از ۲۰ هزار جنگجو. آن‌ها شبانه‌گاه ۲۸ خرداد سال ۱۱۹۳ به نیروهای اسماعیل خان حمله‌ور شدند. طرح شورشیان این بود که بعد از شکست دادن اسماعیل خان، راه مشهد را

این محل تقاطع گذرهای مختلف بازار هم بودند. نزدیک‌ترین هشتی به حرم مطهر، جایی مقابل «سرای شالرفروشان» بود. در این هشتی، زنجیری را بالای نورگیر تا وسط میدانچه آویزان کرده بودند؛ زنجیری که از میانه به دو قسمت تقسیم و هر بخش آن، به یکی از دیوارهای طرفین بازار متصل می‌شد. به همین دلیل، به این بخش از بازار که نزدیک‌ترین مکان به حرم رضوی بود، «بازار زنجیر» می‌گفتند. برخی دلیل دیگری را هم برای این نام‌گذاری در نظر می‌گیرند؛ آن‌ها می‌گویند علت نام‌گذاری بازار زنجیر، زنجیرهای متعددی بود که با فاصله‌های منظم از سقف بازار آویزان کرده بودند و بازاریان در ایام جشن و عزاداری، چنان‌که اشاره کردیم، برای آذین‌بندی یا آویختن پرچم‌عزا، از این زنجیرها استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد که بتوان هر دو دلیل را برای نام‌گذاری بازار زنجیر، موجه دانست، اما با توجه به روایتی که در باره زنجیر آویخته میدانچه وجود دارد، تمایل محقق و پژوهشگر بیشتر به سمت این دلیل است.

● **حقیقت زنجیر آویخته**

زنجیر آویخته از سقف بازار «زنجیر»، ارتباط مستقیمی با مفهوم بست زنجیرنی داشت؛ این زنجیر، محدوده حرم مطهر را تعیین می‌کرد؛ جایی که واردشدگان به آن، از حمایت و امنیت برخوردار و تعقیب و آزار مصون بودند. این مسئله در طول زمان، باعث سوءاستفاده برخی شد و گاه افراد بزهکار هم، با عبور از بست، خود را در برابر تعقیب مأموران ایمنی می‌کردند.

نوائیان - شاید اطلاعات خیلی از ما در باره بازار زنجیر زیاد نباشد، بازاری که قدیمی‌های مشهد و زائران کهنسال حرم مطهر امام رضا(ع) آن را خوب می‌شناختند و می‌شناسند، اما ممکن است خیلی‌ها ندانند که بازار زنجیر، روزی روزگاری، مرغوب‌ترین و بهترین بازار شهر مشهد بود و زوار حرم رضوی برای خرید سوغاتی و احتیاجات روزمره، بیش از هر بازار دیگری در مشهد، سراغ آن را می‌گرفتند. بازار زنجیر در عیاد و عزاداری‌ها، به شکلی بسیار زیبا و منظم آذین‌بندی می‌شد و کسبه آن، بیش از مغازه‌داران دیگر بازارها، به برگزاری چنین مراسمی اهتمام داشتند.

● **هشتی، تاریخ‌ساز بازار مشهد**

پایش از ساخته شدن خیابان مشهد (متشکل از بالاخیابان و پایین خیابان) در دوره شاه‌عباس یکم صفوی، بازار بزرگ شهر که از کوچه سرشور امروزی آغاز می‌شد و تا ابتدای خیابان طبرسی کنونی امتداد داشت، مهم‌ترین معبر شهر مشهد بود. برخی ساخت این بازار را مربوط به دوره تیموری می‌دانند؛ زمانی که گوهرشاد خاتون سنگ بنای مسجد شهر را گذاشت و گذرگاهی به کنار مسجد و در امتداد بازار کهنسالی که به سمت جنوب امتداد داشت، شکل گرفت. این بازار، چنان‌که رسم و الگوی بازارهای ایرانی بود، در برخی بخش‌های مسیر خود، فضایی مدور و شبیه یک میدانچه داشت که به «هشتی» معروف بود. هشتی‌ها، معمولاً برای بازارهای مسقف آن دوره، نورگیر اصلی محسوب می‌شدند و علاوه بر

روایت مشهد

آغاز سینمای مشهد با «آپارات هندی»!



همین سوءاستفاده باعث شد که برخی مورخان، آگاهانه یا ناآگاهانه، زنجیر بازار مشهد را نماد یک دیدگاه خرافی بدانند و با تکیه بر اقدامات تعدادی فرصت‌طلب، آن را از اساس فاقد جاهت فرض کنند، در حالی که چنین نیست. هر چند وجود زنجیر در بازار «زنجیر»، حرم حرم رضوی را معلوم می‌کرد، اما همه مردم می‌دانستند که این حرمت، اولاً از آن زائران و ویژه تکریم آن‌هاست و ثانیاً، هشدار می‌است برای آن‌ها که ورودشان به حرم حرم، نوعی توهین و بی‌اعتنایی به جایگاه والای حضرت ثامن‌الحجج(ع) است؛ چه کسانی؟ مثلاً، افرادی که عذر شرعی داشتند یا کسانی که مسلمان نبودند. شاید بگویید که از منظر شرعی، عبور از بازاری که در محدوده حرم قرار دارد، ظاهر ابرای این افراد بی‌اشکال است؛ حق با شماست، اما آن‌چه در بازار زنجیر وجود داشت و رعایت می‌شد، نگاهی عرفی به مقوله حرمت حرم رضوی بود؛ رسمی که به ادب مجاوران حرم حرم باز می‌گشت؛ هم‌آن‌ها را به رعایت حرمت صاحب این بارگاه مطهر وامی‌داشت و هم به زائران و افراد غریبه‌ای که وارد مشهد می‌شدند، یادآوری می‌کرد که به چه مکان مقدسی با گذاشته‌اند و باید، حرمت صاحب این حرم را نگه دارند و از رفتارهای دوش‌نشان چنین مکان‌هایی بر حذر باشند، چه رسد به معاصی و گناه‌هایی که شرع انور از آن‌ها نهی کرده است. در واقع باید زنجیر آویخته در «بازار زنجیر» را نماد نوعی امر به معروف و نهی از منکر بدانیم؛ رویکردی که شاید در برخی برهه‌های تاریخی فراموش شد و زمینه سودجویی و سوءاستفاده بعضی‌ها را فراهم آورد.